



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

گروه اقتصاد

رابطه قدرت انحصاری و کاری در صنعت

بانکداری ایران طی دوره (1380-1386)

نگارش: محمدرضا حاجیان

استاد راهنما: دکتر فرهاد خداداد کاشی

استاد مشاور: دکتر ناصر خیابانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته علوم اقتصادی

شهریور 1390

چکیده

این پژوهش رابط بین قدرت بازاری و کارایی را در بازارهای وام و سپرده در صنعت بانکداری ایران بین سالهای 1380-1386 بررسی می کند. نتایج نشان دهنده روند نزولی کارایی درونی صنعت طی دوره مورد بررسی است. قدرت انحصاری در بازار وامها افزایش یافته در حالیکه در بازار سپرده های بانکی قدرت انحصاری کاهش یافته است. به طور کلی نوسانات زیادی در شاخص لرنر به ویژه بین سالهای (86-1383) قابل مشاهده است. وجود رابطه منفی بین قدرت بازاری و ناکارایی هزینه ای در بازارهای وام و سپرده تأیید می گردد. بدین ترتیب فرضیه زندگی آرام را در صنعت بانکداری ایران نمی توان پذیرفت. این تحقیق اهمیت سیاستهای اقتصادی را با هدف کاهش ارتفاع موانع ورود به بازار و تنظیم مقررات به منظور رقابتی تر شدن این صنعت را نشان می دهد.

واژگان کلیدی: بانک، قدرت بازاری، عدم کارایی درونی، فرضیه زندگی آرام

* فصل اول: مقدمه و کلیات

1	مقدمه.....	2
2	بیان موضوع و اهمیت تحقیق.....	3
3	اهداف تحقیق.....	4
4	سوال و فرضیه تحقیق.....	5
5	شیوه تجزیه و تحلیل.....	5
6	توضیح واژه ها.....	5
7	محدودیت های پژوهش.....	6
8	مروری بر فصول تحقیق.....	6

* فصل دوم : مبانی نظری قدرت انحصاری و کارایی

بخش اول : نظریات مختلف راجع به علل بروز انحصار و قدرت انحصاری.....	8
1 همبستگی نرخ سودآوری و تمرکز.....	9
1 1 نظریه قدرت بازاری.....	9
2 1 نظریه کارایی.....	10
3 1 نظریه گروه های استراتژیک.....	11
4 1 نظریه برگر و حنان.....	12
5 1 نظریه قدرت بازاری نسبی.....	12
6 1 فرضیه زندگی آرام.....	12
2 معیارهای اندازه گیری قدرت انحصاری.....	13
بخش دوم: کارایی.....	16
1 محاسبه کارایی.....	16

- 2) مدل های مرزی معین و آماری.....19.
- 3) توزیع نرمال منقطع.....22.
- 4) مدل ناکارایی متغیر با زمان.....23.
- 24..... بخش سوم: رابطه قدرت بازاری و کارایی.
- 1) روش محاسبه قدرت بازاری به عنوان شاخص اندازه رقابت.....27.
- 2) محاسبه شاخص لرنر در صنعت بانکداری.....28.
- 3) نگرشهای کلی متفاوت در مورد به کارگیری نهاده ها و ستانده ها.....30.
- 4) روش انجام تحقیق31.

* فصل سوم : مروری بر مطالعات انجام شده

- 3 (4) پیشینه تحقیق در زمینه شاخص های اندازه گیری رقابت.....34.
- 3-1-1) مطالعات انجام شده در خارج.....34.
- 3-1-2) مطالعات انجام شده در ایران.....36.
- 3 (2) پیشینه تحقیق در زمینه اندازه گیری کارایی در صنعت بانکداری.....39.
- 3-1-2) مطالعات انجام شده در خارج.....39.
- 3-2-2) مطالعات انجام شده در ایران.....41.
- 3-3) پیشینه تحقیق در زمینه رابطه قدرت بازاری و کارایی.....43.

* فصل چهارم: انتخاب مدل و تجزیه و تحلیل اطلاعات

- 4 (1) محاسبه کارایی درونی48.
- 4 (1 1) تابع ترانسلوگ49.
- 4 (2 1 4) اعمال فروض تئوریک49.

52.....	2 4	برآورد مدل
57.....	3 4	محاسبه قدرت بازاری
59.....	4 4	محاسبه شاخص لرنر
59.....	1 4 4	بازار وام
59.....	2 4 4	بازار سپرده
61.....	5 4	رابطه قدرت بازاری و کارایی
63.....	6 4	محاسبه رابطه قدرت بازاری و کارایی
65.....	7 4	تخمین مدل
65.....	1 7 4	بازار وام
66.....	2 7 4	بازار سپرده

* فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

68.....	1 5	نتیجه حاصل از تحقیق
69.....	2 5	توصیه های سیاستی
69.....	3 5	پیشنهاد برای تحقیقات آینده

* فهرست منابع

71.....	الف	منابع فارسی
74.....	ب	منابع لاتین

* پیوست ها

جدول ها :

- جدول 4-1) آزمون فرضیه های مربوط به مدل (4-6).....54
- جدول 4-2) میانگین ناکارایی در صنعت بانکداری.....54
- جدول 4-3) میانگین ناکارایی در بانکهای مورد بررسی طی دوره 86-1380.....55
- جدول 4-4) نتایج حاصل از برآورد تابع هزینه مرزی ترانسلوگ کل صنعت بانکداری.....56

شکل ها:

شکل 2-1): شاخص لرنر 13.

شکل 2-2): شاخص مثلث رفاه 14.

شکل 2-3): شاخص راتچایلد 14.

شکل 2-4): عرضه و تقاضای سپرده : الگوی مونتی - کلین 30.

پیوست ها :

پیوست 1- نرخ بهره و هزینه نهایی

پیوست 2- شاخص لرنر

پیوست 3- تخمین مدل در حالت اثرات تصادفی

پیوست 4- تخمین مدل در حالت اثرات تصادفی و رفع ناهمسانی واریانس بین گروهی

پیوست 5- تخمین مدل با تفکیک بانکهای دولتی و خصوصی از یکدیگر

پیوست 6- محاسبه کشش تغییرات قدرت بازاری نسبت به (ناکارایی به کارایی)

پیوست 7- نمودارهای شاخص لرنر در بازار وام

پیوست 8- نمودارهای شاخص لرنر در بازار سپرده

پیوست 9- نسبت تمرکز سه بنکاه در نظام بانکی ایران

پیوست 10- شاخص هرفیندال هرشمن در نظام بانکی ایران

پیوست 11- برخی داده های آماری مورد استفاده در تحقیق

فصل اول:
مقدمه و کلیات

1) مقدمه

نظام‌های مالی کارآمد با شناسایی و تامین مالی فرصت‌های مناسب کسب و کار، تجهیز پس‌اندازها، پوشش و متنوع‌سازی ریسک و همچنین تسهیل مبادلات کالاها و خدمات موجب گسترش فرصت‌های سرمایه‌گذاری می‌گردند. از سوی دیگر افزایش کارایی در سیستم مالی در نهایت با بهبود تخصیص منابع، ارتقای سرمایه‌گذاری و تسریع در انباشت سرمایه موجبات رشد بالاتر اقتصادی را فراهم می‌آورد.

همچنین سیستم‌های مالی کارآمد موانع تامین مالی خارجی را کاهش داده و با تسهیل شرایط و دسترسی واحدهای تولیدی و صنعتی به سرمایه‌های خارجی، زمینه گسترش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بیشتر را فراهم می‌سازد.

صنعت بانکداری به دلیل هزینه‌های بسیار بالای ورود به صنعت به لحاظ نظری نمی‌تواند یک صنعت رقابت کامل باشد زیرا مقررات پولی و بانکی حداقل سرمایه لازم جهت تاسیس بانک‌ها را تعیین می‌کند و همچنین مقررات کفایت سرمایه نیز منجر به بالا رفتن ارتفاع موانع ورود گشته که ورود به صنعت بانکداری را دشوار و پرهزینه می‌کند. اغلب برای محاسبه و ارزیابی درجه رقابت در این صنعت از شاخص تمرکز استفاده می‌کنند.

این شاخص در بخش بانکی، نسبت سپرده‌های سه بانک که بیشترین سهم سپرده را در شبکه بانکی دارا می‌باشند به کل سپرده‌های بخش غیر دولتی در شبکه بانکی است. بالا بودن درجه تمرکز می‌تواند نشان دهنده عدم رقابت در شبکه بانکی باشد. روند کاهش درجه تمرکز بانک‌ها (CR₃) از 62/5 درصد در سال 1379 در ایران به 46/1 درصد در سال 1386 نشان دهنده تقویت فضای رقابتی در صحنه بانکداری ایران طی سال‌های اخیر عمدتاً به دلیل ورود بانک‌های غیر دولتی به صحنه فعالیت‌های بانکی است.¹

البته این نکته باید اضافه شود که درصد بالایی از نظام بانکی ایران دولتی بوده است که راه را برای خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی دشوار می‌کند، چرا که هر چه بانک‌ها بزرگتر باشند خصوصی‌سازی آنها سخت‌تر است، زیرا می‌توانند تکانه‌های قابل توجهی را به نظام بانکی وارد سازند و زمینه ایجاد بحران را فراهم آورند. علاوه بر این تمرکز بالا در نظام بانکی که مملو از مالکیت دولتی است می‌تواند عملکرد نامطلوب در تخصیص و تجهیز منابع را به همراه داشته باشد. با ارتقاء بازار سرمایه ایران و اصلاح ساختار بانکی و بیمه‌ای کشور، با تاکید بر کارایی، شفافیت

1- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال 1385

سلامت و بهره‌مندی از فناوری‌های نوین و تشویق رقابت و پیشگیری از وقوع بحران‌ها و مقابله با جرم‌های مالی می‌توان زمینه‌های لازم را برای تحقق رقابت پذیری کالاها و خدمات کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی و ایجاد ساز و کارهای مناسب برای رفع موانع توسعه صادرات غیر نفتی با تاکید بر مشارکت عامه مردم فراهم نمود که این موارد از اصول کلی سیاست‌های برنامه چهارم توسعه کشور در راستای کاهش انحصار می‌باشد (مواد 35 الی 49). با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی راه برای اصلاح ساختار بانکی و توسعه رقابت فراهم شده است و همراه با سیاست‌های کلی اصل 44 و بهره‌مندی از برنامه‌های طرح تحول اقتصادی که در آن واگذاری بانک‌های دولتی مجاز شمرده شده کاهش انحصارات را می‌توان انتظار داشت. طبق بند (د) از ماده 10 قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جهت ایجاد فضای رقابتی سالم و به دور از انحصار در سیستم بانکی کشور و به منظور اقتصادی نمودن فعالیت بنگاه‌ها، موسسات و سازمان‌های دولتی و دیگر نهادهای عمومی و شهرداری‌ها، برای دریافت خدمات بانکی، بنگاه‌های مذکور مجازند بانک عامل را راساً انتخاب نمایند، وفق مواد 37 و 38 قانون مزبور دولت موظف است فضا و بسترهای لازم را برای تقویت و تحکیم رقابت پذیری اقتصاد فراهم آورد و خدمات بازرگانی، فنی و مالی، بانکی پیشرفته را توسعه داده و یا ایجاد نماید، همچنین در قلمروهایی که انحصارات قانونی و طبیعی وجود دارد لوایح مورد نیاز را جهت تسهیل شرایط رقابتی تقدیم مجلس شورای اسلامی کند.

2) بیان موضوع و اهمیت تحقیق

با توجه به حمایت‌های قانونی که برای دستیابی به یک اقتصاد رقابتی و کارا وجود دارد بررسی نحوه انحصاری شدن بازارها دارای اهمیت می‌گردد و می‌توان اثرگذاری متغیر قدرت بازاری را بر کارایی بررسی نمود.

یادآور می‌شود که منظور از قدرت بازاری توانایی بنگاه در نگهداشتن قیمت محصول بالاتر از هزینه نهایی است به گونه‌ای که سهم اساسی از بازار را از دست ندهد. با اعمال قدرت انحصاری و انحصاری شدن بازار، بنگاه‌ها دچار عدم کارایی می‌شوند. در بازاری که فشار رقابت کم باشد، انگیزه کافی برای افزایش کارایی وجود ندارد که از دلایل آن می‌تواند به دست آوردن سود کافی ناشی از انحصار دانست. از طرفی مدیران بنگاه‌ها با وجود قدرت بازاری اهداف دیگری غیر از حداکثر نمودن سود دنبال می‌کنند. نظیر رشد تعداد کارمندان، افزایش دستمزدها به منظور کاهش تنش میان کارمندان یا تخصیص منابع به منظور افزایش قدرت بازاری.

کارایی از ابعاد عملکرد نظام بانکی می‌باشد که برای اندازه‌گیری آن شاخص‌های متفاوتی وجود دارد. یکی از این شاخص‌ها نسبت تسهیلات اعطاشده به سپرده‌ها می‌باشد. این نسبت نشان دهنده توانایی مالی سیستم بانکی در استفاده از سپرده‌ها برای اعطای تسهیلات است. این نسبت در ایران از 67/7 در سال 1379 به 87/2 در سال 1385 افزایش یافته است که تحت تاثیر تغییرات نسبت سپرده قانونی و اضافه برداشت بانکها از بانک مرکزی می‌باشد.^۲

مساله تحقیق بررسی رابطه قدرت بازاری و کارایی در نظام بانکی ایران طی سال‌های (86 - 1380) می‌باشد. در این پژوهش به منظور اجتناب از محدودیت‌های استفاده از شاخص تمرکز برای محاسبه اندازه رقابت از شاخص لرنر به عنوان مقیاس قدرت بازاری استفاده می‌کنیم. مزیت شاخص لرنر نسبت به سایر شاخص‌های تعیین کننده اندازه رقابت این است که اجازه می‌دهد قدرت انحصاری در سطح بانک (بنگاه) اندازه‌گیری شود و بتوان آن را در طی زمان تحلیل نمود، دومین دلیل آن است که اعمال قدرت بازاری را در بانک‌ها می‌توان در دو سوی ترازنامه ملاحظه نمود، در بازارهای وام و سپرده، سوم آنکه رفاه از دست رفته اجتماعی ناشی از اعمال قدرت بازاری را می‌توان محاسبه نمود.

اهمیت به دست آوردن اندازه قدرت بازاری و ارتباط آن با کارایی در بخش بانکی در آن است که سیاستگذاران اقتصادی می‌توانند بازار بانکی را به سوی کاراتر شدن سوق دهند: با رشد بهره‌وری نیروی کار و سرمایه، ایجاد سازوکارهای مناسب نظیر آزادسازی نرخ‌های بهره، اجازه تاسیس بانک‌های خارجی، گسترش شعب بانک‌ها، مشارکت عامه مردم در فعالیت‌های اقتصادی منجر به افزایش کارایی و کاهش قیمت تمام شده خدمات بانکی می‌گردد و گامی در جهت نیل به اهداف سند چشم‌انداز 20 ساله کشور برداشته می‌شود.

3) اهداف تحقیق

با توجه مطالب ذکر شده اهداف کلی این تحقیق را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود:

- 1 - اندازه‌گیری قدرت بازاری در بخش بانکی ایران
- 2 - تحلیل رابطه عدم کارایی درونی و قدرت بازاری در بخش بانکی

2- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال 1385

4) سوال و فرضیه تحقیق

برای دستیابی به اهداف فوق سوال زیر مطرح می‌شود:

«تاثیر قدرت بازاری در صنعت بانکداری ایران بر عدم کارایی چگونه است؟»

در این راستا فرضیه زیر را می‌توان مطرح نمود:

«در صنعت بانکداری ایران رابطه مثبت بین قدرت بازاری و عدم کارایی برقرار است.»

5) شیوه تجزیه و تحلیل

برای دستیابی به اهداف مورد نظر نیازمند برآورد تابع هزینه مرزی ترانسلوگ برای نظام بانکی ایران هستیم. از این تابع هزینه برای محاسبه هزینه نهایی به منظور ارزیابی قدرت بازاری و استخراج میزان عدم کارایی نظام بانکی استفاده خواهیم کرد.

بنگاه‌های بانکی در نظر گرفته شده در این تحقیق شامل 10 بانک دولتی و 4 بانک خصوصی می‌باشد.

برای انجام این تحقیق از روش داده‌های تلفیقی استفاده می‌شود. با استفاده از این روش می‌توان از نمونه‌های با حجم بیشتر بهره جست که از مزایای آن بالا بردن دقت برآورد ضرایب می‌باشد. همچنین دوره مورد بررسی (86 - 1380) است.

در مورد ابزارهای گردآوری داده آماری باید گفت که این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی با استفاده از اطلاعات ترازنامه و صورت سود و زیان بانک‌ها، گزارش عملکرد بانک‌های مختلف طی سال‌های مورد بررسی، آمارهای منتشر شده در گزارش عملکرد نظام بانکی ایران توسط بانک مرکزی تهیه شده است.

ابزارهای تجزیه و تحلیل شامل استفاده از مدل‌های اقتصاد خرد و تخمین الگوهای اقتصاد سنجی با روش پانل دیتا و بهره‌گیری از نرم افزارهای ای_ویوز 7 و فرانتیر می‌باشد.

6) توضیح واژه ها :

کارایی هزینه: کارایی هزینه نسبت بین حداقل هزینه ممکن برای دست یافتن به حجم معینی از تولید به هزینه های تحقق یافته در مقایسه با واحد های مشابه در آن صنعت تعریف می شود.

قدرت بازاری: توانایی بنگاه در بالانگه داشتن قیمت بالاتر از هزینه نهایی به عنوان قدرت بازاری تعریف می شود.

نظریه زندگی آرام: این نظریه وجود رابطه منفی بین قدرت بازاری و کارایی بنگاه را بیان می کند.

7) محدودیت‌های پژوهش

- 1 - کمبود منابع تحقیقی در زمینه ساختار صنعت بانکداری ایران و فقدان تحقیق در زمینه رابطه قدرت بازاری و کارایی در نظام بانکی ایران .
- 2 - برخی آمار و ارقام در سال‌های مختلف با توجه به تغییرات سرفصل‌های حساب‌های بانکی در بعضی سال‌ها وجود ندارد.
- 3 - تناقض داده‌های آماری در منابع مختلف.

8) مروری بر فصول تحقیق

این پژوهش در قالب 5 فصل ارائه شده است. ساختار تحقیق به این صورت است که در فصل اول (فصل جاری) درصدد بیان موضوع، اهمیت تحقیق، اهداف تحقیق، سوالات، فرضیات و مرور کلی بر فصول تحقیق هستیم.

فصل دوم، فصلی است جامع که شامل چندین مبحث متفاوت می‌باشد. این فصل در سه بخش کلی تنظیم شده است. در بخش اول به مفهوم رقابت و قدرت بازاری و نظریات مختلف راجع به آن، شیوه‌های اندازه‌گیری قدرت بازاری می‌پردازد. بخش دوم به مفهوم کارایی، روش‌های مختلف اندازه‌گیری کارایی اشاره دارد. در بخش سوم به مبانی نظری فرضیه زندگی آرام و ارتباط دو مفهوم قدرت بازاری و کارایی در صنعت بانکداری پرداخته می‌شود.

در فصل سوم به پیشینه تحقیق در زمینه اندازه‌گیری رقابت و قدرت انحصاری، کارایی و فرضیه زندگی آرام در صنعت بانکداری اشاره می‌گردد.

در فصل چهارم به انتخاب مدل و تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته می‌شود. در این فصل الگوی انتخابی تعیین می‌گردد و با استفاده از آن قدرت بازاری و کارایی را محاسبه می‌نماییم. در نهایت این فصل با برآورد اثر قدرت بازاری با توجه به شاخص‌های محاسبه شده بر کارایی صنعت بانکداری خاتمه می‌یابد.

فصل پنجم به جمع‌بندی کلی تحقیق و ارائه پیشنهادات اختصاص یافته است.

فصل دوم:

مبانی نظری رابطه قدرت

انحصاری و کارایی

* بخش اول: نظریات مختلف راجع به علل بروز انحصار و قدرت بازاری

اساساً عقیده‌های متفاوتی راجع به انحصار وجود دارد و تحلیل ما از عملکرد بازار تا اندازه‌ای به این وابسته است که کدامیک از این عقاید را پذیرفته‌ایم دیدگاه اول ناظر بر این است که سطح رقابت یا انحصار در هر بازاری به شدت متأثر از عناصر ساختاری آن بازار می‌باشد. در بعضی بازارها ساختار بازار به نحوی است که مانع ارتقای رقابت می‌شود. این تلقی از انحصار به انحصار «خود جوش» موسوم است و این عقیده را ترویج می‌کند که قدرت انحصاری یک یا چند بنگاه متأثر از عوامل ساختاری و مستقل از دخالت دولت شکل می‌گیرد. طرفداران این نظریه در برخورد با انحصار و کنترل آن و ارتقاء سطح رقابت، دخالت دولت را توصیه می‌کنند، زیرا در اثر عدم دخالت یک عامل خارجی، انحصار در بازار تداوم می‌یابد. نویسندگان این مکتب معتقدند بین قدرت انحصاری و میزان تمرکز بازار همبستگی مثبتی برقرار است و به همین دلیل بعضاً به آن «دکترین تمرکز بازار» نیز گفته می‌شود. این عقیده در چارچوب بحث‌های تخصصی اقتصاد باقی نماند و پس از انتشار نظرات بن^۳ (1956) راجع به تاثیر عوامل ساختاری بر عملکرد بازار، حوزه سیاست را نیز متأثر نمود. دکترین «تمرکز بازار» علت وجودی بسیاری از مقررات و کنترل دولتی و وضع قوانین ضد انحصار در کشورهای صنعتی به ویژه در آمریکا بوده است و معمولاً برای تشخیص وجود فعالیت‌های انحصاری از رابطه نرخ سود و تمرکز استفاده می‌شود.

مخالفین نظریه «دکترین تمرکز بازار» معتقدند انحصار امری است گذرا. البته آنها وجود قدرت انحصاری نزد یک یا چند بنگاه را رد نمی‌کنند ولی به تداوم آن معتقد نمی‌باشند و مکتب آنها به نظریه انحصار «مداخله جویانه»^۴ معروف است و نقش مهمی برای عناصر ساختاری بازار همچون صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس، تفاوت کالا، موانع ورود در ایجاد انحصار قائل نیست.

به عقیده طرفداران این نظریه هیچ دلیلی برای تداوم تمرکز بازار و کسب سود بالا برای بنگاه‌های قدیمی صنعت وجود ندارد، زیرا بنگاه‌های بالقوه با ورود به صنعت از میزان تمرکز و نرخ سود می‌کاهند. این دیدگاه، کاربرد قیمت‌های حدی را به عنوان عاملی که انحصار در بازار را استمرار می‌بخشد قبول ندارد، زیرا اگرچه این امر بنگاه‌های بالقوه را از صنعت دور می‌کند، مع هذا بنگاه‌هایی که از قبل در بازار بوده‌اند با توسل به چنین سیاستی نرخ سود خود را کاهش می‌دهند.

نظریه مداخله جویانه انحصار به آدام اسمیت منتسب می‌شود و تا ربع اول قرن بیستم عقیده مسلط در میان اقتصاددانان بود و پس از آن جای خود را به دکترین «تمرکز بازار» داد. با مطرح شدن نظریه

³ - Bain

⁴ - Interventionism

اقتصادی «رفتار سیاسی» نظریه «مداخله جویانه» دوباره محور بسیاری از بحث‌ها شد. نظریه اقتصادی رفتار سیاسی ناظر بر این است که تصمیم‌گیری‌های سیاسی دارای توجیه اقتصادی می‌باشند و اساسا نفع شخصی سیاستگذاران راهنمای آنها در وضع قوانین و سیاست‌ها می‌باشد. بر همین اساس بروز انحصار در بازارها پیش از آنکه متأثر از ساخت انحصاری آنها باشد، ناشی از فعالیت‌های رانت جویانه است. رانت‌جویان با پیگیری دائمی رفتار دولت همواره در صدد می‌باشند، تا از محدودیت‌ها، مقررات و ... که توسط دولت وضع می‌شود حداکثر استفاده را برده و کسب رانت نمایند، به همین دلیل طرفداران نظریه «مداخله جویانه» کاهش نقش دولت را توصیه می‌نمایند.

1) همبستگی نرخ سودآوری و تمرکز

در بسیاری از کارهای تجربی همبستگی مثبت بین نرخ بازده و تمرکز صنایع به تایید رسیده است. با این وجود در تفسیر این همبستگی توافق کلی بین نویسندگان مختلف وجود ندارد. چگونگی تفسیر این همبستگی از حیث تنظیم سیاست بخش عمومی بسیار مهم است. در این بخش به تفاسیر مختلفی از این همبستگی اشاره می‌کنیم.

1-1) نظریه قدرت بازاری

عده‌ای معتقدند تمرکز بالا موجب می‌شود ائتلاف بین بنگاه‌های فعال در یک بازار با سهولت بیشتری صورت گیرد و این امر بنگاه‌ها را قادر می‌سازد تا در تصمیم‌گیری‌هایشان هماهنگ و به صورت انحصاری عمل نمایند و بدین ترتیب سود مشترک خود را حداکثر کنند. این دیدگاه در بطن نظریه ساختارگرایان می‌گنجد. ساختارگرایان رابطه مثبت سودآوری و تمرکز را ناشی از اعمال قدرت بازاری می‌دانند، برای مثال ادغام بنگاه‌ها از یک طرف موجب افزایش تمرکز می‌شود و از طرف دیگر دست بنگاه‌های ادغام شده را در قیمت‌گذاری باز می‌کند، سردمدار این قضیه. بن (1956) و طرفدارانش معتقدند که هر چه بازار متمرکزتر باشد و تعداد اندکی تولیدکننده بخش وسیعی از بازار را در اختیار داشته باشند، نرخ بازده آنها از نرخ بازده رقابتی بیشتر خواهد بود. به بیان دیگر با ادغام بنگاه‌ها و متمرکز شدن بازار، تعداد اندکی بنگاه در صنعت فعالیت می‌کنند در نتیجه سودآوری آنها بیشتر می‌شود. این نظریه به تئوری ادغام یا $(S-C-P)$ ⁵ نیز معروف است.

قدرت بازاری به دلایل گوناگون ظاهر می‌شود که از جمله می‌توان به موانع ساختاری که ورود بنگاه‌های بالقوه را با مشکل مواجه می‌سازد و همچنین تمرکز بازار و وجود «تفاوت کالا» و صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس را اشاره نمود. وجود تمرکز بالا و موانع مرتفع بنگاه‌های صنعت را

5- Structure- conduct- performance

در قبال ورود تازه واردین و رقبای جدید مصون نگه می‌دارد و آنها را از قدرت بازاری بهره‌مند می‌سازد و این امکان را به آنها می‌دهد تا از سود غیرمتعارف بهره‌مند شوند. این قدرت بازاری در واقع همانند یک دارایی مشترکی است که تمامی اعضای صنعت متناسب با ظرفیت تولید و یا سطح فروششان از آن برخوردار می‌باشند.

1-2) نظریه کارایی (دمستز)⁶

تفسیر متفاوتی از رابطه بین ساختار و عملکرد بازار تحت عنوان نظریه کارایی توسط دمستز (1973) ارائه شد و منجر به طرح سوالات و ایرادهایی در خصوص تئوری (S-C-P) گشت. در مخالفت با نظر به قدرت بازاری اظهار گردید همبستگی مثبت تمرکز و نرخ سود الزاماً ناشی از اعمال قدرت بازاری و وجود موانع ورود در بازار نمی‌باشد و تحت شرایطی بدون اعمال قدرت بازاری و وجود موانع ورود بنگاه‌ها می‌توان شاهد همبستگی مثبت بین نرخ بازده و تمرکز بود و دمستز موانع ورود را به عنوان عنصری که تمرکز را تداوم می‌بخشد نمی‌پذیرد.

مخالفین نظریه قدرت بازاری معتقدند رابطه مثبت بین تمرکز و نرخ سودآوری صنعت را از طریق کارایی بیشتر و عملکرد برتر بعضی بنگاه‌ها در مقایسه با سایر بنگاه‌های صنعت می‌توان توضیح داد. بعضی از بنگاه‌ها به دلیل کوشش در جهت ابداع و بهبود کیفیت محصول و استفاده از روش‌های بهتر تولید و توزیع و یا به دلیل برخورداری از نهاده‌های ممتاز و مساعدت طبیعت با آنها نسبت به سایر رقبا از مزیت‌های هزینه‌ای برخوردار هستند، تحت چنین شرایطی و حتی در یک بستر کاملاً رقابتی می‌توان انتظار داشت که بخش عظیمی از بازار در دست بنگاه‌های کارا متمرکز شود و آنها از سود بالا برخوردار شوند.

عقیده دمستز و طرفداران نظریه کارایی مبنی بر اینکه «اگر با افزایش تمرکز نرخ بازده بنگاه‌های بزرگ و کوچک افزایش یابد در این صورت می‌بایست کارایی برتر را عامل تمرکز بازار دانست»، چندان مستدل نمی‌باشد زیرا تفاوت نرخ سود بنگاه‌های بزرگ و کوچک دلایل متعددی دارد که یکی از آنها کارایی می‌باشد.

در بخش بانکی این نظریه فرض می‌کند اگر یک بانک نسبت به سایر رقبا کارا تر عمل کند، هزینه عملیاتی آن کاهش می‌یابد و سود بیشتری کسب خواهد نمود. در این زمان بانک‌های کارا تر سهم بازار بیشتری کسب می‌کنند، در نتیجه تفاوت در کارایی منجر به توزیع نابرابر موقعیت بازار بانک‌ها و افزایش تمرکز می‌شود، نظریه کارایی رابطه مثبت ساختار و عملکرد بازار را منحصراً سطحی بیان می‌کند و کارایی، عملکرد ساختار بازار را با هم تعریف می‌کند.

⁶-Harold Demestez

1-3) نظریه گروه‌های استراتژیک^۷

پورتر^۸ (1979) در رد نظریه کارایی، نظریه گروه‌های استراتژیک را مطرح نمود. وی در مطالعات خود دریافت نرخ سود بنگاه‌های بزرگ و پیشرو به طور متوسط بیشتر از نرخ سود بنگاه‌های کوچک و دنباله‌رو می‌باشد. یعنی در واقع یافته‌های او مشابه نتایج دمستر بود. اما توضیح «پورتر» از این مساله متفاوت از دمستر می‌باشد. وی در تبیین علت تفاوت نرخ بازده بنگاه‌های پیشرو و دنباله‌رو، نظریه گروه‌های استراتژیک را مطرح نمود. دمستر سود بالای بنگاه‌های بزرگتر را به کارایی آنها نسبت می‌داد. اما در نظریه جدید یک بنگاه هنگامی از سود بالا برخوردار می‌شود که در یک گروه استراتژیک قرار داشته باشد به طوری که ورود به آن برای سایر بنگاه‌ها (چه بنگاه‌های فعال و چه بالقوه) به سختی امکان پذیر باشد. پورتر در معرفی نظریه خود اظهار داشت یک صنعت از گروه‌ها و خوشه‌هایی از بنگاه‌ها تشکیل شده است به طوری که اعضای هر یک از این گروه‌ها در مورد بعضی از متغیرهای تصمیم‌گیری کلیدی استراتژی مشابهی به کار می‌گیرند (مثلاً در مورد تعیین سطح تولید، قیمت، مخارج، تحقیق و توسعه، تبلیغات) هر یک از این خوشه‌ها یک گروه استراتژیک را تشکیل می‌دهند و می‌توانند عکس‌العمل یکدیگر را به خوبی پیش‌بینی کنند. اما بنگاه‌هایی که در گروه‌های استراتژیک متفاوت قرار دارند روش‌ها و استراتژی‌های متفاوت و بعضاً متضادی را در پیش می‌گیرند. هر چه تعداد این گروه‌ها بیشتر باشد و در عین حال توزیع اندازه بنگاه‌ها در هر یک از آنها مشابه باشد در این صورت تفاوت‌های استراتژیک آنها موجب ارتقاء رقابت می‌شود و برعکس اگر بعضی از این گروه‌ها بخش کوچک و بعضی بخش بزرگی از بازار را به خود اختصاص دهند در این صورت عدم شباهت‌های استراتژیک آنها چندان موجب ارتقاء رقابت نخواهد شد. زیرا گروه‌های کوچک توان تاثیرگذاری بر گروه‌های استراتژیک بزرگتر را ندارند.

در نظریه گروه‌های استراتژیک، ساختار درونی یک صنعت از طریق ترکیب گروه‌های استراتژیک و سختی یا سهولت انتقال از یک گروه استراتژیک به گروه دیگر مشخص می‌شود. بر این اساس یک بنگاه هنگامی از سود بالا برخوردار است که اولاً در یک گروه استراتژیک با موانع تحرکی زیاد قرار گرفته باشد ثانیاً بین اعضای گروه رقابت سخت برقرار نباشد. این نظریه دلالت بر این دارد که عناصر ساختاری متفاوت در صنعت باعث بروز موانع تحرکی می‌شود و بر الگوی رقابت بین گروه‌های پیشرو و دنباله‌رو تاثیر می‌گذارد. با توجه به این عناصر ساختاری می‌توان نرخ سود بنگاه‌های هر یک از گروه‌های استراتژیک را پیش‌بینی نمود.^۹

⁷-The Theory of strategic groups

⁸ -porter

1-4) نظریه برگر و حنان^{۱۰}

برگر و حنان (1995) نظریه کارایی را به دو نظریه کارایی درونی و کارایی حاصل از مقیاس تقسیم نمودند. براساس نظریه کارایی درونی، هزینه های انجام شده توسط یک بنگاه با مدیریت کارا و تکنولوژی برتر کمتر می باشد که منجر به سودآوری بیشتر می گردد. بانک‌هایی که کارایی درونی آنها بیشتر است، سهم بازار افزون تری به دست می آورند، در نهایت منجر به افزایش تمرکز بازار می گردد. با توجه به نظریه کارایی حاصل از مقیاس، هزینه بانک‌هایی که در مقیاس بهینه و کارا فعالیت می کنند، کمتر از سایر بانک‌های رقیب با کارایی پایین تر است و سودآوری بالاتری دارند، بانک‌هایی که در مقیاس بهینه فعالیت می کنند می توانند سهم بازار بیشتری به دست آورند که منجر به افزایش تمرکز بازار می گردد.^{۱۱}

1-5) نظریه قدرت بازار نسبی^{۱۲}

در این نظریه شپارد^{۱۳} (1986) نشان می دهد که وجود تفاوت در عملکرد علاوه بر کارایی به وسیله تاثیر باقی مانده سهم بازار نیز توضیح داده می شود، زیرا سهم بازار اثر عوامل غیر مرتبط به کارایی (نظیر قدرت بازاری یا تفاوت کالا) را دریافت می کند. با توجه به این نظریه هر سهم بازار یک متغیر جانشین برای دستیابی به قدرت بازاری است.

1-6) فرضیه زندگی آرام^{۱۴}

این نظریه توضیح می دهد که با افزایش قدرت بازاری، تاثیر مدیران به منظور افزایش کارایی عملیاتی کاهش می یابد. به بیان دیگر با افزایش قدرت بازاری از کارایی عملیاتی بنگاه کم می شود و همبستگی منفی بین قدرت بازاری و کارایی وجود دارد. این نظریه را می توان حالت خاصی از نظریه قدرت بازاری دانست. تاکنون در مطالعه این نظریه از اندازه تمرکز بازار به عنوان شاخصی برای قدرت بازاری استفاده می کرده اند. این فرضیه بحث می کند که مدیران بنگاه‌ها با سهم بازار بیشتر به کارایی کمتر توجه دارند، زیرا با استفاده از قدرت بازاری در تعیین قیمت، درآمد به طور خودکار بالا می رود، قدرت بازاری به طور مداوم بدون در نظر گرفتن کارایی افزایش می یابد، در نتیجه چنین بنگاه‌هایی قادر نخواهند بود سودآوری قابل توجهی نشان دهند، با توجه به موارد توضیح داده شده نظریه زندگی آرام تفسیری متفاوت از عدم وجود رابطه بین سود آوری و ساختار بازار ارائه می کند.^{۱۵}

¹⁰ - Berger & Hannan

¹¹ - Csaba Mór  - Márton Nagy , 2003,p4

¹² - Relative Market power (RMP)

¹³- Shepherd

¹⁴ -Quiet Life Hypothesis

¹⁵ - Maudos,Joaquin and Fernandez de Guevera , 2007,p2108